

رہیافت تاریخی به ابعاد صلح امام حسن مجتبیٰ علیه السلام با تأکید بر

منابع اهل سنت

زهرا ضیایی^۱

چکیده

مطالعه تاریخی مسائل با واقع‌نمایی بیشتری همراه است و می‌تواند به شبهات و ابهامات پاسخ دهد. در این راستا، بررسی گزارش‌های منابع اهل سنت درباره صلح امام حسن مجتبیٰ علیه السلام اهمیت ویژه‌ای دارد. این گزارش‌ها در زمینه‌های مختلفی مانند علل صلح، مواد صلح‌نامه و حوادث پس از آن، ناهم‌گونی و اختلاف دارند که ممکن است به برداشت‌های نادرست بینجامد. پژوهش حاضر با تحلیل و نقد گزارش‌های اهل سنت درباره ماجرای صلح امام حسن مجتبیٰ علیه السلام علاوه بر شناخت دقیق روش‌شناسی ایشان در این صلح که بازتابی از سیره سیاسی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در صلح حدیبیه است به معرفی امام حسن علیه السلام، قهرمان صلح در تاریخ تشیع می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت‌های موجود در گزارش‌های اهل سنت درباره صلح امام حسن علیه السلام ناشی از اشتباهات راویان یا نسخه‌برداران نیست و به تحریف در کلمات نیز ارتباطی ندارد. ریشه این اختلافات در عوامل دیگری نهفته است که مهمترین آن، انتشار اخبار کذب درباره شخصیت امام حسن علیه السلام و شایعه‌پراکنی علیه ایشان است. این اقدامات به منظور انتساب اتهامات نادرست به وی و مقابله با جنبش‌های حسنین صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، صلح، منابع اهل سنت، تاریخ،

معاویه.

۱. دانش‌پژوه دکتری کلام اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

پژوهش‌های تاریخی فراوانی در مورد اهل بیت علیهم‌السلام انجام شده است که بستر مساعد و مطلوبی را برای تبیین فرهنگ ناب شیعی و حقانیت و دفاع از آن فراهم می‌کند. از آفت‌های این پژوهش‌ها آن است که چون دسترسی به اصل حادثه امکان‌پذیر نیست باید به گزارش‌های مرتبط به حوادث و رویدادهای تاریخی توجه و بسنده کرد و با بررسی و تحلیل آنها به درک روشنی از وقایع و اتفاقات تاریخی دست یافت. نکته مهم و اساسی که نباید از آن غافل بود این است که متأسفانه اطلاعاتی که از گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید، یکسان نبوده و حاوی اطلاعات کامل و کافی نیست و بررسی‌های تاریخی را با دشواری‌های اساسی مواجه می‌کند. گزارش‌های تاریخی مرتبط با صلح امام حسن علیه‌السلام از پژوهش‌هایی است که چنین وضعیتی دارد. بدین معنا که گزارش‌های انعکاس یافته در منابع اهل سنت در مورد علل و زمینه‌های صلح امام حسن علیه‌السلام، مواد صلح و حتی حوادثی که بعد از انعقاد صلح نامه روی داده است، اختلاف‌های اساسی دارند که دشواری در فهم دقیق این مسئله را به همراه دارد. تنها راه برون‌رفت از این تنگناها و دشواری‌های پیش رو، تجزیه و تحلیل دقیق وقایع تاریخی است تا تناقض‌ها و ناسازگاری‌های تاریخی روشن شود. نگاه تاریخی به ابعاد و زوایای ماجرای صلح امام حسن علیه‌السلام با معاویه با تمرکز بر گزارش‌های اهل سنت به نتایج مفیدی درباره صلح امام حسن علیه‌السلام با معاویه منجر می‌شود. نتایج این بررسی‌ها، اثبات حقانیت مکتب شیعه، تدبیر و شناخت دقیق شخصیت امام حسن مجتبی علیه‌السلام را به همراه خواهد داشت که به نوبه خود می‌تواند مهمترین ثمره این بررسی باشد.

در مورد حیات سیاسی و صلح امام حسن علیه‌السلام تاکنون آثار متعددی نوشته شده است که به صورت تفصیلی و ضمنی این مسئله را واکاوی کرده است. کتاب الحیاه السیاسه الامام الحسن علیه‌السلام تألیف سید جعفر مرتضی از کتاب‌هایی است که حیات سیاسی امام حسن مجتبی علیه‌السلام را در روزگار رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سه خلفا تجزیه و تحلیل می‌کند. کتاب صلح الحسن علیه‌السلام از شیخ راضی آل یاسین نیز از کتاب‌هایی است که علاوه بر شرح حال زندگی امام حسن علیه‌السلام موضوع صلح ایشان را نیز به تصویر کشیده است. علی راجی نیز در کتاب فلسفه صلح امام حسن مجتبی علیه‌السلام افزون بر

آشنایی خواننده با مقوله صلح و جنگ در اسلام ماجرای صلح امام حسن (علیه السلام) را نیز بررسی کرده است. علاوه بر کتب مذکور، مقاله‌های متعددی نیز درباره صلح امام حسن (علیه السلام) نوشته شده است از جمله مقاله «بررسی و تحلیل علل صلح امام حسن (علیه السلام)» به قلم فریدون آزاد و زهرا آزاد غلامی که موضوع مواجهه امام حسن (علیه السلام) را از دو جبهه داخلی و خارجی بررسی کرده است. حسن علی حسن‌زاده نیز در مقاله «شیوه برخورد و رفتار امام حسن (علیه السلام) با شیعیان منتقد صلح»، موضع‌گیری‌های متفاوت گروه‌های موجود در سپاه امام حسن (علیه السلام) را در مورد صلح، بررسی کرده است. حاصل تلاش نویسندگان مذکور علاوه بر ارج نهادن به آثار آنها بیشتر منحصر در مقام توصیف جریان صلح امام حسن (علیه السلام) در منابع شیعی شده است بدون اینکه تحلیل و تجزیه مبسوطی از گزارش‌های اهل سنت در مورد صلح امام حسن (علیه السلام) ارائه شود. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند علاوه بر غنای پژوهش‌های گذشته، کاری نو در زمینه مطالعات تاریخی در صلح امام حسن (علیه السلام) شمرده شود.

۲. زمینه‌های تاریخی صلح امام حسن (علیه السلام) در منابع اهل سنت

بلاذری از علمای اهل سنت، نقل می‌کند که پس از شهادت امام علی (علیه السلام)، قیس بن سعد و سپس عبیدالله بن عباس در مسجد کوفه سخنرانی کردند و با ذکر فضائل امام علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) مردم را به بیعت با امام حسن (علیه السلام) ترغیب کردند. پس از بیعت قیس با امام، مردم نیز با ایشان بیعت کردند. (البلاذری، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۸/۳) همچنین براساس برخی گزارش‌ها، نخستین اقدام امام حسن (علیه السلام) پس از شهادت و تدفین امام علی (علیه السلام) سخنرانی در مسجد کوفه برای اعلام شهادت پدر و پذیرش خلافت بود.

۱-۲. خطبه امام حسن (علیه السلام) بعد از شهادت امام علی (علیه السلام)

در منابع اهل سنت، گزارش‌هایی درباره نخستین خطبه امام حسن (علیه السلام) پس از شهادت امام علی (علیه السلام) آمده است. دینوری در اخبار الطوال، این خطبه را با تأکید بر عظمت شب شهادت امام علی (علیه السلام) و بیان شباهت آن با وقایع مهم الهی نقل کرده است. (الدینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۶) حاکم نیشابوری نیز

در المستدرک علی الصحیحین به تفصیل، فضائل اهل بیت و معرفی امام حسن علیه السلام را بیان می‌کند و خطبه را مشتمل بر فضائل امام علی علیه السلام و نسبت امام حسن علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند (الحاکم النیشابوری، بی تا، ۱۷۲/۳). بلاذری با تلخیص این خطبه، چهار محور اصلی آن را مطرح کرده است که عبارتند از: دعوت به تقوا، تأکید بر حق اهل بیت علیهم السلام و آیه تطهیر، نسبت امام حسن علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و فضائل امام علی علیه السلام (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۸/۳). برخی منابع مانند ابن عساکر و ابن ابی شیبہ، این خطبه را به نادرست به آغاز خلافت امام حسن علیه السلام نسبت داده است، در حالی که شواهد نشان می‌دهد این سخنان مربوط به دوران پس از مجروحیت امام علیه السلام در مدائن است (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۱۷؛ ابن ابی شیبہ الکوفی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶۳۱/۸).

۲-۲. شروط بیعت با امام حسن علیه السلام

بر اساس گزارش طبری، در سال چهلیم هجری مردم با امام حسن علیه السلام برای خلافت بیعت کردند. قیس بن سعد، نخستین بیعت کننده بود که بیعت خود را مشروط به عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و جنگ با منحرفان اعلام کرد، اما امام حسن علیه السلام تأکید کرد که شرط‌ها در کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مستتر است. (الطبری، ۱۳۸۷، ۱۵۸/۵؛ الدینوری، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۸۴/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۶۵/۵) ابن سعد نیز به دو نوع بیعت مردم عراق با امام حسن علیه السلام اشاره دارد: بیعت امیری و بیعت بر اطاعت مطلق (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۱۷). برخی منابع بیان کرده‌اند که امام حسن علیه السلام بیعت مردم را مشروط به اطاعت در صلح و جنگ می‌پذیرفت. این شرط، پیام صلح جویانه‌ای داشت که موجب شک و تردید در میان مردم شد؛ زیرا گمان کردند که امام علیه السلام قصد جنگ ندارد. ابن عساکر نیز با دو روایت مستقل، ماجرای بیعت را گزارش کرده است، اما ارتباط آن با مجروحیت امام علیه السلام در مدائن محل تردید بوده و نیازمند بررسی جداگانه است (الطبری، ۱۳۸۷، ۱۶۲/۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۳/۱۳؛ البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۹/۳).

۲-۳. نامه ابن عباس به امام حسن مجتبیٰ و توصیه به جنگ با معاویه

بلاذری گزارش می‌دهد که حدود پنجاه روز از خلافت امام حسن علیه السلام گذشته بود، اما سخنی از جنگ با شام نگفته بودند. در این زمان، عبدالله بن عباس با نامه‌ای ایشان را به جنگ با معاویه ترغیب کرد. (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۹/۳) متن نامه در گزارش‌های بلاذری و ابن قتیبه متفاوت است، اما محتوای هر دو بر تشویق به جنگ تأکید دارد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۱/۱۳؛ ابن قتیبه الدینوری، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۶۷/۱).

۲-۴. کیفیت یاران امام حسن علیه السلام

در منابع اهل سنت، سپاه امام حسن علیه السلام پرشمار و قدرتمند معرفی شده است. بلاذری، اطاعت کوفیان را گزارش می‌کند و حسن بصری و عمرو بن عاص آنها را شکست‌ناپذیر دانسته‌اند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۱/۱۳) درباره تعداد سپاه، آمارهای مختلفی ذکر شده است که عبارتند از: نود هزار نفر (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۷۳/۱۳)، هفتاد هزار نفر (العجلی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱۵۵/۲)، پنجاه هزار نفر (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۵۱/۳) و چهل هزار نفر (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳۸۶/۱) که در میان آنها «شرطه الخمیس» با دوازده هزار نفر برجسته بود. در نهایت، اختلافات داخلی و مجروحیت امام علیه السلام به پذیرش صلح پس از مذاکرات با معاویه انجامید.

۳. دلایل و انگیزه‌های صلح

۳-۱. عدم تمایل به حکومت و جنگ

امام حسن علیه السلام تمایل به حکومت نداشت و به دنبال گرفتن امتیاز بود. خیانت‌هایی مانند نامه عبدالله بن عباس به معاویه و درخواست امان، این دیدگاه را تقویت کرد. (الطبری، ۱۳۸۷ هـ.ق، ۱۵۸/۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۶۶/۵) امام علیه السلام به دلیل پیامدهای خون‌ریزی گسترده از جنگ اجتناب کرد. وی معتقد بود خلافت را برای رضای خدا به معاویه واگذار کرده است. عباراتی مانند «فزهده فی الخلافة» (العجلی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۹۷/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۷۳/۱۳) و «کره القتل» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۱/۱۳) نیز این نگرش را تأیید می‌کنند. ابن عساکر تنها منبعی است که

از رؤیای امام علیه السلام درباره خون عثمان سخن می‌گوید، اما اعتبار این روایت مورد تردید است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۸۴/۳۹).

۳-۲. فشارهای خارجی و خیانت یاران

خیانت‌های مکرر، تأثیر شایعات شامیان و عدم استقامت کوفیان، امام علیه السلام را به پذیرش صلح مجبور کرد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۸۴/۳۹) این گزارش‌ها در تحلیل دلایل صلح امام علیه السلام، به‌ویژه از منظر تاریخی و سیاسی اهمیت دارند.

۴. گزارش مواد صلح‌نامه در منابع اهل سنت

پس از اعلام آمادگی امام حسن علیه السلام برای واگذاری حکومت به معاویه با شروط مشخص، امام حسن علیه السلام نامه‌ای حاوی این شروط نوشت. (مقدسی، بی‌تا، ۲۳۶/۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۵۲/۳؛ الطبری، ۱۳۸۷، ۱۶۲/۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۷۲/۱۳) پیش‌تر، معاویه نامه‌ای سفید با مهر خود برای امام حسن علیه السلام ارسال کرده و از او خواسته بود هرچه می‌خواهد، بنویسد. امام علیه السلام پس از دریافت نامه، شروط خود را چند برابر کرد. معاویه نیز آن را حفظ کرد (الطبری، ۱۳۸۷ هـ.ق، ۱۶۲/۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۷۲/۱۳). باین حال، متن کامل و دقیق صلح‌نامه در منابع اهل سنت و شیعه گزارش نشده است. اختلاف و تناقض در مفاد گزارش‌های موجود، قضاوت درباره متن اصلی را دشوار و شاید ناممکن کرده است. ارزیابی دقیق‌تر، مستلزم بررسی جامع این گزارش‌هاست.

۴-۱. تعهد امام حسن مجتبی علیه السلام و معاویه

براساس منابع اهل سنت، امام حسن علیه السلام در واگذاری حکومت به معاویه تعهدی جز تسلیم خلافت نداشت، اما گزارش‌ها درباره تعهدات معاویه متناقض و پراکنده است. این تعهدات عبارتند از:

- واگذاری خلافت به امام حسن علیه السلام پس از معاویه (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۲/۳؛ مقدسی، بی‌تا، ۲۳۶/۵؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳۸۵/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۱/۱۳؛ الدینوری، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۸۴/۱)

- امان برای شیعیان، کوفیان یا همه مردم و منع تعقیب شرکت کنندگان در جنگ‌ها (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۲/۳؛ گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۴؛ مقدسی، بی تا، ۲۳۶/۵؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳۸۵/۱؛ الدینوری، ۱۳۶۸ هـ.ق، ۲۱۸)؛

- پرهیز معاویه از دشنام به امام علی (علیه السلام) در حضور امام حسن (علیه السلام) (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۲۲؛ الطبری، ۱۳۸۷ هـ.ق، ۱۵۹/۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۲/۱۳)؛

- تخصیص بیت المال کوفه به امام حسن (علیه السلام) (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۲/۱۳)؛

- پرداخت خراج سالانه فسا و دارابجرد به امام حسن (علیه السلام) (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۲/۱۳)؛

- عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سیره خلفای صالح (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۲/۳؛ مقدسی، بی تا، ۲۳۶/۵)؛

- واگذاری خلافت پس از معاویه به شورا (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۲/۳؛ مقدسی، بی تا، ۲۳۶/۵)؛

- رفتار عادلانه با مردم (گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۲۶)؛

- بازگرداندن حقوق مردم (فیء) به آنها (گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۲۶)؛

- پرهیز از توطئه آشکار یا پنهان علیه امام حسن (علیه السلام) (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۲/۳)؛

- اختصاص خراج اهواز به امام حسن (علیه السلام) (الدینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۸)؛

- پرداخت سالانه یک میلیون به امام حسین (علیه السلام) (الدینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۸)؛

- تقدم عطایا و صله به بنی هاشم بر بنی عبدشمس (الدینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۸)؛

- عدم مشغولیت معاویه به مقام و جاه (گردیزی، ۱۳۶۳ هـ.ق، ص ۲۳۴)؛

- تعهد به دادن اموال و زمین به امام حسن (علیه السلام) (مقدسی، بی تا، ۲۳۶/۵)؛

- افزایش غنایم مردم (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۲۶).

از میان این تعهدات، بندهای اول و دوم در چند منبع گزارش شده‌اند. بندهای سوم تا پنجم در سه منبع آمده است. بندهای ششم تا نهم در دو منبع و تعهدات پایانی تنها در یک منبع ذکر شده‌اند.

۴-۲. گزارش حوادث ناظر به صلح بعد از انعقاد صلح نامه در منابع اهل سنت

پس از پایان مذاکرات صلح، امام حسن علیه السلام از مدائن و معاویه بن ابی سفیان از مسکن به سمت کوفه حرکت کردند. براساس گزارش ها، معاویه از امام حسن علیه السلام خواست تا در جمع کوفیان سخنرانی و صلح و بیعت خود را اعلام کند. این بخش از ماجرا نیز با اختلافاتی همراه است.

۴-۲-۱. گزارش های درخواست سخنرانی و اعلام بیعت

درباره چرایی و چگونگی سخنرانی امام حسن علیه السلام گزارش های گوناگونی نقل شده است:

- پیشنهاد عمرو بن عاص و ابوالاعور برای سخن گفتن امام علیه السلام و مخالفت معاویه؛ (ابن سعد،

۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۲۵)

- پیشنهاد یاران معاویه و موافقت او پس از اصرارشان؛ (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۲۸؛ ابن

عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۱۳/۲۷۵)

- درخواست عمرو بن عاص و موافقت معاویه پس از گفت وگو؛ (الطبری، ۱۳۸۷هـ.ق، ۵/۱۶۳)

- طعنه معاویه هنگام ورود به کوفه؛ (مقدسی، بی تا، ۵/۲۳۷؛ البلاذری، ۱۴۱۷هـ.ق، ۳/۴۳)

- درخواست مستقیم معاویه پس از بیعت و سخنرانی امام علیه السلام با سوگند او. (البلاذری، ۱۴۱۷هـ.ق، ۳/۴۳)

۴-۲-۲. گزارش های متن سخنرانی امام حسن علیه السلام و اعلام بیعت

گزارش ها از سخنرانی امام حسن علیه السلام هنگام واگذاری حکومت به معاویه متعدد است. امام علیه السلام

پس از حمد الهی، خود و برادرش را تنها بازماندگان پیامبر صلی الله علیه و آله دانست و دلیل بیعت را حفظ خون

مسلمانان و اصلاح امت بیان کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۲۸) او حکومت معاویه را یا ناشی از

شایستگی یا آزمایش الهی دانست، مردم را به پرهیز از دشمنی با اهل بیت علیهم السلام فراخواند و بر عدالت

معاویه تأکید کرد و معاویه نیز این شرایط را پذیرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۲۸؛ مقدسی، بی تا،

۵/۲۳۷؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲هـ.ق، ۱/۳۸۸؛ ابن ابی شیبہ الکوفی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۸/۶۳۳؛ الحاکم

النیشابوری، بی تا، ۳/۱۷۵؛ الطبری، ۱۳۸۷، ۵/۱۶۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۱۳/۲۷۳؛ الدینوری،

۱۴۱۰هـ.ق، ۱/۱۸۴؛ البلاذری، ۱۴۱۰هـ.ق، ۳/۴۳؛ گردیزی، ۱۳۶۳هـ.ق، ص ۲۳۴) در پایان با اشاره به

آیه «فتنه لكم و متاع الی حین» سخن را پایان داد که موجب ناخشنودی معاویه شد، سپس در

برابر طعنه‌های عمرو بن عاص و ابو الاعور به لعن پیامبر ﷺ بر برخی از آنها اشاره کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۷۵/۱۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۲۸).

۵. خطبه معاویه

مقدسی و بلاذری در گزارش‌های خود از خطبه معاویه در کوفه آورده‌اند که وی پس از توافق صلح با امام حسن مجتبیٰ (ع) اظهار داشت: «شرایطی که پذیرفته بودم تنها برای ایجاد اتحاد و رفع اختلاف بود، اما اکنون همه آن شروط و وعده‌ها را نادیده می‌گیرم». (مقدسی، بی‌تا، ۲۳۷/۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۴/۳) دو دسته گزارش دیگر از سخنان معاویه در نخیله در منابع اهل سنت نقل شده است. در دسته اول، معاویه تأکید کرده است که جنگ او برای اعمال عبادی مانند نماز، روزه، حج یا زکات نبوده؛ زیرا به پابندی مردم به این امور واقف بوده است. او هدف اصلی خود را تصاحب حکومت دانسته و اذعان کرده که خداوند این قدرت را به او عطا کرده است، هرچند مردم از آن ناراضی بودند (الفسوی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۳۱۸/۳، ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۵۱/۵۹). در دسته دوم، بلاذری نقل می‌کند که معاویه در نخیله اعلام کرد پذیرش شروط و وعده‌هایش تنها برای خاموش کردن آتش فتنه، پایان دادن به جنگ و ایجاد آرامش در میان مردم بوده است نه تعهدی واقعی به آن شروط (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۶/۳).

۶. اعتراض

در منابع تاریخی، اعتراض برخی از چهره‌های شاخص شیعه به صلح امام حسن (ع) با معاویه گزارش شده است. از جمله این افراد، امام حسین (ع)، حجر بن عدی و سلیمان بن صرد خزائی بوده‌اند. (مقدسی، بی‌تا، ۲۳۷/۵؛ البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۴/۳)

۶-۱. اعتراض امام حسین (ع)

براساس منابعی مانند ابن سعد، ابن عساکر و طبری، امام حسین (ع) به صلح اعتراض کرد و آن را نوعی تکذیب راه و روش امام علی (ع) دانست. امام حسن (ع) با استدلال به ضرورت پایان دادن به جنگ و

حفظ جان شیعیان پاسخ ایشان را داد. در نهایت، امام حسین علیه السلام با نظر برادر خود موافقت کرد، اگرچه تمایل شخصی به صلح نداشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۳۳۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۷/۱۳)

۲-۶. اعتراض حجر بن عدی

حجر بن عدی از یاران برجسته امام علی علیه السلام صلح را موجب خفت شیعیان دانست و امام حسن علیه السلام را به ادامه جنگ تشویق کرد. امام حسن علیه السلام در پاسخ، به عدم حمایت کافی مردم از جنگ و ضرورت حفظ جان شیعیان اشاره کرد و صلح را اقدامی مصلحتی دانست. (الدینوری، ۱۳۶۸ هـ.ق، ص ۲۲۰)

۳-۶. اعتراض سلیمان بن سرد خزائی

سلیمان بن سرد از بزرگان شیعه در کوفه، پس از صلح به امام حسن علیه السلام اعتراض کرد و خواستار ادامه جنگ شد. وی با اشاره به نیروی عظیم شیعیان، صلح را نشانه ضعف دانست. امام حسن علیه السلام در پاسخ، هدف اصلی خود را جلوگیری از ریختن خون شیعیان و حفظ انسجام آنها بیان کرد و پیش بینی کرد که حکومت معاویه موقتی خواهد بود. (الدینوری، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۱۸۵) در تمام این اعتراضات، امام حسن علیه السلام ضرورت صلح را راهکاری برای حفظ شیعیان و تأخیر درگیری تا زمان مناسب دانست. این موضع، نشان دهنده دوراندیشی و مصلحت اندیشی امام علیه السلام در برابر شرایط پیچیده سیاسی آن زمان است.

۷. تحلیل و ارزیابی سندی و محتوایی ابعاد صلح

۱-۷. گزارش های صلح

۱-۱-۷. استناد

در بین منابع موجود اهل سنت، ۲۸ اثر یافت می شود که حاوی گزارش صلح است. در بین این منابع، بیست منبع در ذکر گزارش صلح، اسناد خود را بیان کرده اند، هشت منبع از منابع مذکور در خلال گزارش ها متعرض سند آن نشده اند.

۷-۱-۲. تواتر و وثاقت راویان

تواتر در لغت به معنای پیایی آمدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۷۵/۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۵۸۰/۷) در اصطلاح به خبری گفته می‌شود که تعداد راویان آن در هر طبقه به حدی باشد که تبانی بر کذب محال شده و خبر موجب علم شود (مامقانی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۸۹/۱؛ میرزای قمی، ۱۳۰۹، ۴۰۹/۱). در فقه و حدیث، خبر متواتر برخلاف غیرمتواتر، نیازمند بررسی وثاقت راویان نیست (سیوطی، ۱۳۸۵، ۱۷۶/۲؛ قاسمی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ص ۱۵۱؛ صدر، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۱۰۱؛ صالح، ۱۳۸۸ ص ۱۵۱). در منابع اهل سنت تنها درباره حدیث «اصلاح بین الفئتين» ادعای تواتر شده است. ابن عبدالبر نقل می‌کند که روایات صحیحی متواتر از پیامبر ﷺ رسیده که فرمود: «الحسن ابن علی یصلح به بین الفئتين» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳۸۸/۱)، اما این ادعا محل اشکال است: اول، شرط تواتر در همه طبقات راویان محقق نیست؛ زیرا بیشتر روایات از ابوبکر یا حسن بصری نقل شده‌اند؛ دوم، این روایت تنها در منابع اهل سنت آمده و در منابع شیعه بازتابی ندارد. بنابراین، ادعای تواتر در این روایت پذیرفتنی نیست و همانند منابع شیعه باید گفت در منابع اهل سنت نیز تواتر محقق نشده است.

۷-۱-۳. دسته‌بندی منابع سنی در گزارش‌های مربوط به صلح

هر یک از منابع اهل سنت به گونه‌ای به موضوع صلح امام حسن علیه السلام پرداخته‌اند. در تاریخ بغداد گزارش‌هایی از صلح نقل شده، اما هدف اصلی کتاب، معرفی بغداد و بزرگان آن است. به همین دلیل به جنبه‌های تاریخی صلح چندان نپرداخته است. در الثقات ابن حبان نیز فقط در خلال معرفی رجال حدیث به برخی اطلاعات تاریخی از جمله صلح امام حسن علیه السلام اشاره شده است. معرفه الثقات عجل‌ی هم که اثری رجالی است، فقط به طور گذرا گزارشی از صلح ارائه داده است. المصنف ابن ابی شیبه که اثری فقهی-حدیثی است به مناسبت و نه به صورت اصلی به وقایع تاریخی از جمله صلح پرداخته است. در آثار تاریخی، اخبار الطوال دینوری حدود شش صفحه را به صلح اختصاص داده و با رعایت اختصار، گزارشی یک‌دست و به نسبت جامع از نامه‌ها و سخنرانی‌ها ارائه کرده است. در الاستیعاب نیز با اینکه ابن عبدالبر، شرح حال اصحاب را تفصیلی

آورده است، اما در موضوع صلح، کمتر از پنج صفحه و با شیوه محدثین به صورت ناپیوسته گزارش داده است. الامامه و السیاسة نیز در کمتر از پنج صفحه با عناوینی مانند «بیعه الحسن بن علی علیه السلام لمعاویه» و «کراهیه الحسین للبیعه» به بخشی از حوادث صلح پرداخته است.

انساب الاشراف بلاذری از مفصل ترین منابع در این زمینه است که ذیل عناوینی مانند «امرالحسن بن علی علیه السلام»، «المراسلات بین الحسن و معاویه فی الصلح» و «موقف الشیعه من صلح الحسن» گزارش های متنوعی را با ذکر اسناد نقل کرده و حتی روایات مخالف را نیز بازتاب داده است، به گونه ای که می توان آن را یکی از جامع ترین آثار دانست. در مقابل، البدء و التاریخ مقدسی تنها در حدود سه صفحه گزارشی پیوسته و بدون سند ارائه کرده است. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر اثری بسیار گسترده است که با نام ترجمه الامام الحسن علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق گردآوری شده و حجم قابل توجهی از آن به صلح اختصاص دارد. این کتاب از نظر کثرت روایات اهمیت بالایی دارد، هرچند برخی گزارش های مهم مانند مکاتبات صلح به طور کامل در آن نیامده است. تاریخ طبری نیز در جلد چهارم نزدیک به ۱۰ صفحه به صلح پرداخته و هرچند مفصل است، اما روایت ها را پراکنده و بدون پیوستگی ارائه کرده و برخی گزارش های مهم مانند مکاتبات اولیه و اعتراض شیعیان را نقل نکرده است.

در آثار دیگر، زین الاخبار گردیزی گزارشی بسیار مختصر از تلاش میانجیان، کناره گیری امام علیه السلام و سخنرانی اعلام صلح آورده است. در طبقات الکبری ابن سعد حدود هجده صفحه به صلح اختصاص یافته که به نسبت مفصل است و با ذکر سلسله اسناد، روایات را آورده است، اما به بخش هایی از گزارش های موجود توجه نکرده و جامعیت کامل را ندارد. عیون الاخبار ابن قتیبه تنها به نامه عبدالله بن عباس به امام حسن علیه السلام پرداخته است. در المعرفه و التاریخ فسوی در کمتر از یک صفحه سه گزارش مختصر آورده و در المنتظم ابن جوزی نیز پنج گزارش کوتاه در کمتر از سه صفحه به موضوع صلح اختصاص یافته است.

ابن سعد در کتاب طبقات الکبری دو گزارش متناقض درباره آغاز خلافت امام حسن علیه السلام و سخنرانی‌های او ارائه می‌دهد. در گزارش نخست، امام حسن علیه السلام بر عدم تمایل به جنگ تأکید می‌کند و می‌فرماید: «حوادث نزدیکند و امر الهی محقق خواهد شد، هرچند مردم نپسندند، والله من دوست نمی‌دارم که در امر دین پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه‌ای قطره خون ریخته شود». (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۱۷) این سخن نشان‌دهنده عدم علاقه امام علیه السلام به خون‌ریزی است، اما در گزارش دوم از ایشان دستور لشکرکشی به سمت قومی که نافرمانی خدا کرده‌اند، نقل می‌شود و امام علیه السلام به‌سوی شام حرکت می‌کند. این دو گزارش به‌وضوح با یکدیگر در تناقض هستند و جمع عقلایی بین آنها ممکن نیست (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۲۰). وی در ادامه به مواجهه سپاه امام حسن علیه السلام با سپاه معاویه اشاره کرده است و می‌نویسد: «حسن حرکت کرد تا به مدائن رسید و معاویه نیز به قصد مواجهه پیش آمد. ناگهان فریادی شنیدند که قیس کشته شده است و مردم بر خیمه حسن هجوم بردند» (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۲۱). همچنین گزارش دیگری از صلح ارائه می‌دهد که در آن معاویه با شناخت از مخالفت امام حسن علیه السلام با فتنه به‌طور پنهانی با او صلح کرده و متعهد می‌شود که بعد از مرگش حکومت به امام حسن علیه السلام برسد (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۳۱). این تناقضات در گزارش‌های ابن سعد بیانگر وجود ناسازگاری در اطلاعات ارائه شده درباره صلح امام حسن علیه السلام و نشان‌دهنده پیچیدگی و عدم اعتبار برخی از روایت‌ها در طبقات الکبری است.

طبری نیز در اولین گزارش مستند خود می‌نویسد: «امام علی علیه السلام قیس بن سعد را بر فرماندهی چهل هزار نفری که به بیعت مرگ با او پرداخته بودند، منصوب کرده بود، اما امام حسن علیه السلام به دلیل عدم تمایل به جنگ و عدم هم‌سوئی قیس، او را عزل و عبیدالله بن عباس را جایگزین کرد». (الطبری، ۱۳۸۷هـ.ق، ۵/۱۵۸) در گزارش دیگری بیان می‌کند که مردم با امام حسن علیه السلام بر خلافت بیعت کردند و او به‌همراه کوفیان به مدائن رفت و قیس را به فرماندهی مقدمه سپاه دوازده هزار نفری منصوب کرد (الطبری، ۱۳۸۷هـ.ق، ۵/۱۵۹). بنابر گزارش طبری، مجروح شدن امام حسن علیه السلام به دنبال شایعه کشته شدن قیس و به دلیل تردید مردم نسبت به جنگ و صلح گزارش شده است.

این تردید باعث شورش علیه امام حسن علیه السلام و زخمی شدن او شد. در پی این حوادث، امام علیه السلام به معاویه نامه نوشت و درخواست صلح کرد (الطبری، ۱۳۸۷ هـ.ق، ۵/۱۶۰).

از مجموع این گزارش‌ها، تناقض‌های آشکار به وجود می‌آید، به طوری که نمی‌توان هر دو روایت را هم‌زمان پذیرفت. سؤال‌هایی مانند عزل قیس به دلیل تمایل به توافق یا انتخاب او به فرماندهی پیش‌قراولان، چگونگی مجروح شدن امام حسن علیه السلام و قصد او برای جنگ یا دستیابی به امتیاز، همگی از نشانه‌های ناسازگاری در گزارش‌های طبری درباره صلح امام حسن علیه السلام هستند. بررسی گزارش‌های بلاذری از صلح امام حسن علیه السلام در انساب‌الاشرف نشان‌دهنده ناسازگاری‌های قابل توجهی است. نخستین مورد ناسازگاری به دعوت امام حسن علیه السلام به جنگ و واکنش مردم برمی‌گردد. بلاذری در ابتدا اشاره می‌کند که امام حسن علیه السلام مردم را به جهاد تشویق می‌کند، اما کوفیان به این دعوت پاسخ مثبتی نمی‌دهند. (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۳۲) پس از گزارش حرکت امام حسن علیه السلام به مدائن با نگرانی از مخالفت مردم که درگیری و شورش علیه ایشان را به دنبال دارد ناگهان به دعوت ایشان برای اجماع و اتحاد اشاره می‌کند (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۳۴). دومین مورد ناسازگاری به نام فرمانده مقدمه سپاه کوفه مربوط می‌شود. بلاذری ابتدا عبیدالله بن عباس را فرمانده معرفی می‌کند (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۳۳)، ولی در گزارش‌های دیگر به قیس بن سعد اشاره شده و او را رد می‌کند. در بیان تعداد سربازان تحت فرماندهی قیس و عبیدالله نیز تناقض‌ها وجود دارد. گزارش‌هایی با شمار دوازده، ده و حتی بیست هزار نفر مشاهده می‌شود (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۵۱). از موارد دیگر ناسازگاری‌ها، مفاد صلح‌نامه است. معاویه در گزارشی، متنی تنظیم می‌کند که شامل تعهداتی مثل عدم تعیین جانشین و عدم توطئه علیه امام علیه السلام است. امام حسن علیه السلام پس از دیدن این متن می‌گوید: «او را به طمع چیزی انداخته که اگر می‌خواست، حکومت را به او نمی‌سپرد» (البلاذری، ۱۴۱۷، ۳/۴۱). در گزارش دیگری آمده است: «امام حسن علیه السلام عمال خود را به فساد و دارا ببرد می‌فرستد و معاویه به ابن عامر دستور می‌دهد علیه آنها شورش کند و به جای خراج، مبلغی به امام علیه السلام پرداخت می‌کند» (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۴۷). در گزارش‌های ابن عساکر درباره صلح امام حسن علیه السلام ناسازگاری‌هایی وجود دارد، به ویژه در ماجرای زخمی شدن امام علیه السلام؛

ابتدایی‌ترین گزارش در مورد بیعت مردم با امام حسن علیه السلام به بعد از شهادت امام علی علیه السلام اشاره دارد که او شرط می‌کند با هر کسی که صلح کند، صلح کنند و با هرکسی که جنگید، بجنگند. این شرط باعث تردید مردم شد و در نهایت بر ایشان شورش کرده و او را مجروح کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۳/۱۳). در گزارشی دیگر، حرکت امام حسن علیه السلام به سمت شامیان و اعزام پیش قراولان به فرماندهی عبیدالله بن عباس یا قیس بن سعد مطرح می‌شود. در اینجا شایعه کشته شدن قیس موجب شورش برخی کوفیان و زخمی شدن امام علیه السلام به دست آنها می‌شود (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۴/۱۳). این دو روایت با هم تناقض دارند.

ابن عساکر همچنین دلایل مختلفی برای تصمیم امام حسن علیه السلام به صلح ذکر می‌کند از جمله کراهت امام علیه السلام از فتنه و خون‌ریزی. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۷/۱۳) او همچنین می‌نویسد که نود هزار نفر با امام علیه السلام بیعت کردند، ولی او خلافت را تسلیم معاویه کرد تا از ریختن خون پرهیز کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۷۳/۱۳). در برخی گزارش‌ها به خواب امام حسن علیه السلام و تعبیر آن به خون خواهی از عثمان نیز اشاره شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۸۴/۱۳). امام حسن علیه السلام همچنین به اراده الهی برای رسیدن معاویه به حکومت اشاره می‌کند و می‌گوید که نخواست بین خود و معاویه خونی ریخته شود (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۳/۱۳). در مورد شهادت امام حسن علیه السلام نیز ناسازگاری مشاهده می‌شود. ابن عساکر چندین بار از مسمومیت امام حسن علیه السلام می‌گوید، اما وقتی برادرش از او می‌خواهد عامل مسمومیت را معرفی کند او کسی را معرفی نمی‌کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۸۳/۱۳). در گزارشی دیگر به زندگی شخصی امام علیه السلام و ازدواج‌های متعددش پرداخته و سپس به مسمومیت او اشاره می‌شود، گویی قصد دارد بین این دو موضوع ارتباط برقرار کند و انگیزه مسموم کردن ایشان را به مسائل خانوادگی نسبت دهد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۸۳/۱۳). این ناسازگاری‌ها در گزارش‌های ابن عساکر به‌وضوح مشهود است و به تحلیل‌های بیشتری نیاز ندارد.

۸. نتیجه‌گیری

براساس گزارش‌های منابع اهل سنت تا قرن ششم هجری در مورد صلح امام حسن علیه السلام اختلافات اساسی در سه زمینه وجود دارد: انگیزه‌ها و زمینه‌های صلح، مواد صلح‌نامه و حوادث پس از صلح. در مورد انگیزه‌ها، منابع اهل سنت اغلب گزارش می‌دهند که امام حسن علیه السلام تمایلی به حکومت و جنگ نداشت و برای جلوگیری از خونریزی و در ازای دریافت امتیازات مادی و غیر مادی، حکومت را به معاویه واگذار کرد. همچنین، دسیسه‌های معاویه برای ایجاد تفرقه در بین کوفیان در این منابع یا گزارش نشده یا کم‌اهمیت جلوه داده شده‌اند. انگیزه امام حسن علیه السلام از صلح در منابع اهل سنت به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول، عدم تمایل به حکومت و خونریزی و دسته دوم، حفظ جان خود و شیعیان به دلیل عدم استقامت کوفیان. در مورد مواد صلح‌نامه، منابع اهل سنت تعهداتی مانند امان دادن به شیعیان، ترک دشنام به امام علی علیه السلام، واگذاری خلافت به امام حسن علیه السلام بعد از معاویه و واگذاری بیت‌المال کوفه و خراج فسا و دارابجرد به امام علیه السلام را ذکر می‌کنند. در مورد حوادث پس از صلح، برخی منابع اهل سنت به مواردی از پایبندی معاویه به شروط صلح اشاره می‌کنند مانند ترک دشنام به امیرالمؤمنین علیه السلام و پرداخت موجودی بیت‌المال کوفه به امام حسن علیه السلام. در مورد وفات امام حسن علیه السلام برخی منابع اهل سنت علت آن را بیماری و برخی دیگر مسموم شدن می‌دانند. در بین قائلین به مسمومیت، عده‌ای آن را به دسیسه معاویه، برخی دیگر به دسیسه یزید و برخی نیز به مجروح شدن با سرنیزه زهرآلود نسبت می‌دهند.

فهرست منابع

۱۱. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ هـ.ق)، المصنف. محقق: سعید اللحام. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۲. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ هـ.ق)، المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک. محقق: محمد عبدالقادر عطا، و مصطفی عبدالقادر عطاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. ابن سعد الهاشمی البصری، محمد بن سعد (۱۴۱۰ هـ.ق)، طبقات الکبری. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۱۴. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ هـ.ق). الاستيعاب في معرفه الاصحاب. محقق: على محمد البجاوى. بيروت: دار الجيل.
۱۵. ابن عساکر، على بن حسن (۱۴۱۵ هـ.ق). تاريخ مدينه دمشق. محقق: شيرى، على. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۶. ابن قتيبه الدينورى، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ هـ.ق). الامامه و السياسه المعروف بتاريخ الخلفاء. محقق: شيرى، على. بيروت: دار الاضواء.
۱۷. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۴ هـ.ق). عيون الاخبار. بيروت: منشورات محمد على بيضون، دار الكتب العلميه.
۱۸. ابن منظور، جمال الدين (۱۴۱۴ هـ.ق). لسان العرب. بيروت: دار الفكر.
۱۹. البلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر (۱۴۱۷ هـ.ق). انساب الاشراف. محقق: سهيل زكار، و رياض زركلى. بيروت: دار الفكر.
۲۰. حاكم النيشابورى (بى تا). المستدرک على الصحيحين. محقق: يوسف عبدالرحمن المرعشلى. بيروت: دار المعرفه.
۲۱. الدينورى، ابو حنيفه احمد بن داود (۱۳۶۸). الخبر الطوال. محقق: عبدالمنعم عامر مراجعه جمال الدين شيال. قم: منشورات الرضى.
۲۲. زبيدى، محب الدين (۱۴۱۴ هـ.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفكر.
۲۳. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (۱۳۸۵). تدريب الراوى فى الشرح تقريب التواوى. قاهره: چاپ عبدالوهاب عبداللطيف.
۲۴. صبحى، صالح (۱۳۸۸). علوم الحديث. بيروت: دار الفكر.
۲۵. صدر، حسن (۱۴۱۳ هـ.ق). نهايه الدرايه فى الشرح الموسومه بالوجيزه للبهائى. قم: چاپ ماجد غرباوى.
۲۶. طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير (۱۳۸۷). تاريخ الامم و الملوك. محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم. بيروت: دار التراث.
۲۷. العجلى الكوفى، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵ هـ.ق). معرفه الثقافات. محقق: عبدالعليم عبدالعظيم البستوى. المدينه المنوره: مكتبه الدار.
۲۸. الفسوى، ابو يوسف يعقوب بن سفيان (۱۴۰۱ هـ.ق). المعرفه و التاريخ. محقق: اكرم ضياء العمرى. بيروت: مؤسسه الرساله.
۲۹. قاسمى، حمد جمال الدين (۱۴۲۲ هـ.ق). قواعد الحديث من فنون مصطلح الحديث. بيروت: چاپ محمد بهجه بيطار.
۳۰. گرديزى، ابوسعيد عبدالحى بن ضحاک ابن محمود (۱۳۶۳). زين الاخبار. محقق: عبدالحى حبيبي. تهران: دنباى كتاب.
۳۱. مامقانى، عبدالله مقباس (۱۴۱۴-۱۴۱۱ هـ.ق). الهدايه فى علم الدرايه. قم: مؤسسه آل البيت.
۳۲. مقدسى، مطهر بن طاهر (بى تا). البدء و التاريخ. محقق: بورسعيد. بى جا: مكتبه الثقافه الدينيه.
۳۳. ميرزاى قمى، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۳۷۸). قوانين الاصول. تهران: چاپ سنگى.